حمید سبزواری(شاعر) | امیرحسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) | صفار زاده(نویسنده) | شهید احمد زارعی (شاعر) | مهرداد اوستا(شاعر) | نصرالله مردانی (شاعر) | مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب‌الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه(شاعر) | محمدعلی گودینی(نویسنده) | علی محمدمؤدب (شاعر) | مرحوم شهریار(شاعر) | محمدمهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

پا توی کفش بزرگان

*** دیدی پیرزن نسخهٔ خوبی برایت پیچیده. نان‌ریزه‌ها را برداشتی و در حالی که حرف‌های پیرزن، در گوشت بود، با آرامش از اتاق رفتی بیرون. گنجشک‌ها طوری نگاهت می‌کردند که خیال کردی چشم به‌راه تو اند.**

نیم ساعتی می‌شد که دو گانه‌ات را خوانده بودی و حالا کنار کرسی دست‌سازت، به گنجشک‌های گمشده فکرمی‌کردی. دیشب آنها را با بی‌احتیاطی پرانده بودی. نان تازه که از بیرون آمد و عطرش توی اتاق پخش شد، دانستی که باید برای ناشتایی حاضر شوی. چند لحظه بعد کنار سفره نشسته بودی و با وسوسهٔ عطر نان، دستت را به‌طرف سفره دراز کرده بودی که یک‌آن، همهمهٔ یک دسته پرنده، تو را متوجهٔ درخت ازگیل حیاط کرد. فوری از کنار سفره بلند شدی. با احتیاط آمدی کنار پنجره و درخت را دزدیده زیر نظر گرفتی که دیدی، گنجشک‌ها به خانه برگشته‌اند. پیش خودت خیال می‌کردی که با احتیاط آمده‌ای پشت پنجره و پرنده‌ها، از حضور پشت پرده‌ات بی‌خبرند! ولی نگاه گنجشک‌ها هم، به‌طرف پنجره بود. انگار به تو می‌گفتند: «بندهٔ خدا! نماز خواندی؟ طاعت قبول! اما انگار روزی مختصر ما را، در سفرهٔ شما گذاشته‌اند!». برگشتی و از نان تازه برای پرنده‌ها ریز کردی اما ماندی که چطوری برایشان بریزی که مثل دیشب فرار نکنند؟ در فکر چاره بودی که به‌یاد آن پیر دنیادیده افتادی که تعریف می‌کرد: «روزی در ساحل دریا، به پیرزنی برخوردم که به پرندگان روی دیوارهٔ ساحلی خیره شده بود. وقتی مرا کنار خودش دید، پرسید: آیا دوست داری یکی از این مرغان دریایی را لمس کنی و ببینی چه پرهای لطیفی دارند؟ گفتم: معلوم است که دوست دارم. ولی هر وقت که به پرنده‌ای نزدیک شده‌ام، یا همین که اراده می‌کنم نزدیک شوم، از من گریخته‌اند. پیرزن وقتی عجزم را دید، گفت: تلاش کن به آنها احساس عشق کنی. بعد این عشق را مثل یک رشته نور، از درون قلبت بیرون بکش و به قلب مرغ دریایی بتابان و بعد در کمال آرامش، به او نزدیک شو! به توصیه پیرزن عمل کردم. بار اول و دوم موفق نشدم و پرنده‌ها که انگار صیاد دیده باشند، از من می‌گریختند. اما بار سوم که گویی به حالت جذبه وارد شده بودم، توانستم پرهای نرم و لطیف مرغ دریایی را لمس کنم».

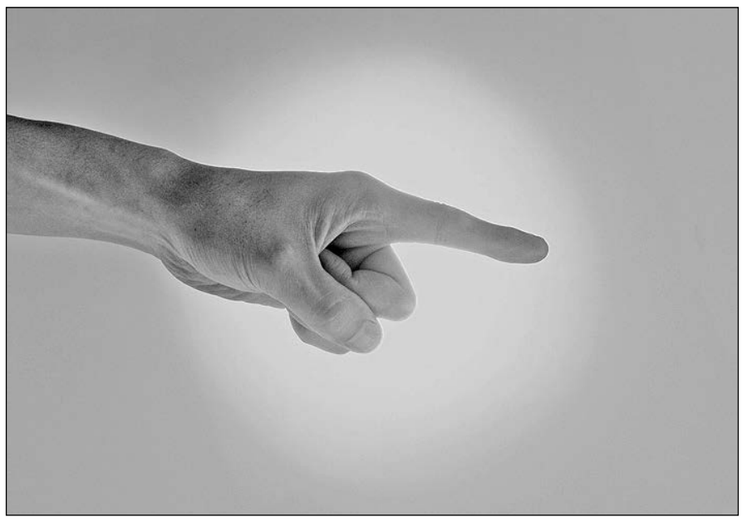

دیدی پیرزن نسخهٔ خوبی برایت پیچیده. نان‌ریزه‌ها را برداشتی و در حالی که حرف‌های پیرزن، در گوشت بود، با آرامش از اتاق رفتی بیرون. گنجشک‌ها طوری نگاهت می‌کردند که خیال کردی چشم به‌راه تو اند. خوشحال شدی. به قصد درخت ازگیل، از پله‌ها پایین آمدی. پلهٔ آخر را که خواستی برداری، همهمهٔ پرواز گنجشک‌ها، میخ‌کوبت کرد. نگاه نکرده می‌دانستی که از تو رمیده‌اند. کمی دورتر روی درخت همسایه نشسته بودند و باسوءظن نگاهت می‌کردند. یادت آمد که قبلِ بیرون‌آمدن از اتاق، به آنها احساس عشق نکرده بودی! مهم‌تر از آن، عشق را مثل یک رشته نور، از درون قلبت بیرون نکشیده و به قلب گنجشک‌ها نتابانده بودی! پس برگشتی داخل اتاق. کمی این پا و آن پا کردی تا گنجشک‌ها برگردند، که برگشتند. بعد نسخهٔ پیرزن را در ذهنت مرورکردی. برای اجرای دستورش، اول حالت ورزشکارهای یوگا را به خودت گرفتی و با تمرکز حواس، به قلبت رجوع کردی و آنگاه با تمام وجود، به‌خودت فشار آوردی تا نسبت به گنجشک‌ها احساس عشق کنی، آن هم عشقی پاک و آسمانی. وقتی احساس عشق را در خودت ایجاد کردی، حالا می‌بایست این عشق پاک را، تبدیل به یک نخ نورانی می‌کردی، و بعد پیش خودت نگه‌اش می‌داشتی تا سرِ فرصت، به قلب پرنده‌ها می‌تاباندی. سعی‌کردی طوری دریچهٔ قلبت را کیپ نگه داری تا این رشتهٔ محبت محفوظ بماند و خدای‌نکرده یک‌وقت، پاره یا کلاف سردرگم نشود. برای این منظور، لبهایت را محکم به‌هم چسباندی، تا راه قلبت به دهان، کاملا بسته بماند. وقتی دیدی همه چیز، آن داخل آماده و مهیاست، خم شدی و دستمال خرده‌نانها را، از کف اتاق برداشتی و دوباره با کمال آرامش آمدی روی پله‌های حیاط. دیگر نگران فرار می‌کردی. پس لب‌ها را با احتیاط و آرام، از حالت بسته درآوردی و همین که بازشان کردی و خواستی با گفتن یک «ها» نور را به طرف پرنده‌ها پخش کنی، کُلّهم از روی درخت پریدند و رفتند. درست مثل دیروز، مثل کاری که دو سه هزار سال و اندی قبل، کبوترهای گنجشک‌ها نبودی. این‌بار نسخهٔ پیرزن روشن‌ضمیر را، موبه‌مو انجام داده بودی؛ نور در قسمت داخلی، در قلبت بود، نخِ همین نور را که از جنس محبت تابیده بودی و شده بود رشتهٔ محبت، در اختیار داشتی، خرده‌های نان را هم که داخل دستمال گذاشته بودی و دستمال هم توی مشتت بود. حالا فقط مانده بود تا نور را به طرف گنجشک‌ها بتابانی و کار را تمام کنی. روی پله، بدون دغدغه رو به درخت ایستادی. برای تابش نور یک راه بیشتر وجود نداشت، از سوراخ‌های دماغت کاری برنمی‌آمد. باید از دهانت استفاده کلیله و دمنه کرده بودند. فرار پرنده‌ها واقعا تعجب داشت. ایراد از کدام طرف بود، طرف تو یا طرف پرنده‌ها؟ تو که همه قسمت‌های نسخهٔ پیرزن را دقیق انجامشان داده بودی. فهمیدی...، پس ایراد از طرف گنجشک‌ها بود. حتما استعداد جذب نور و رشته محبت را نداشتند. شاید ولتاژ نوری که به طرف‌شان فرستاده بودی، بالا بود و به پرهای لطیفشان، شوک وارد کرده بود. ناچار شدی مراحل کار را دوباره پیاده‌کنی. این بار با دقت و تمرکز قلبی بیشتر، تلاش کردی درجهٔ صداقتت را بالاتر ببری تا گنجشک‌ها به محبتت شک نکنند. برگشتی داخل اتاق، آنها هم برگشته بودند روی درخت همسایه. بار دوم را هم که اجرا کردی، باز فرار کردند و رفتند، عین قصهٔ کبوترها. بار سوم و چهارم هم همین طور. هربار در همهٔ مراحل کار، از تولید نور گرفته تا ساختن رشتهٔ محبت و آمدن روی پله و تاباندن نور، گنجشکها را زیر نظر داشتی. آنها هم در همه مراحل، تو را می‌پاییدند تا مبادا یک‌وقت، مثل شکارچی‌ها، سوراخ مخوف لوله را نشانشان‌دهی و دست به ماشه شوی. دیگر از دست‌شان خسته شده بودی، آنها هم از دست تو به تنگ آمده بودند. بار پنجم را هم انجام دادی، ولی این‌دفعه از تولید رشته‌های نورانی و تاباندن نور دست کشیدی و دستمال خرده‌نان‌ها را، راست بردی ریختی زیر درخت ازگیل و خودت را خلاص کردی. آنها هم البته طبق معمول فرارکردند و رفتند روی درخت همسایه نشستند. وقتی به اتاق برگشتی، از پشت پرده، درخت را پاییدی. گنجشک‌ها برگشته بودند و فارغ از تو، مشغول برچیدن غذا بودند. آن روز به ناشتایی نرسیدی. کمی بعد کنار کرسی دست‌سازت نشسته بودی و انگار کسی با تو می‌گفت؛ فلانی! تولید تارهای نورانی و ساختن رشته‌ای از جنس نور و تاباندنش به طرف پرنده‌ها، سیری می‌طلبد مردافکن و سلوکی طاقت‌شکن. کار تو فعلا این باشد که از نان‌های سفره‌ات، سهم گنجشک‌ها را، ریزریز کنی و زیر درخت ازگیل بریزی و کار مردان‌خدا را به خودشان واگذاری تا مرغان را به پیش خود بخوانند، روی دامن بنشانند و دستی روی پرهای لطیفشان بکشند.

من زبان و نطق مرغان سر به سر
با تو گفتم فهم کن‌ای بی‌خبر
(عطار)

■ **منصور ایمانی**

«معرفی کتاب لب خط قرمز»

شیرین مثل عسل، تلخ مثل شوکران

■ **ناهید زندی‌پژوه**

طنز ابزاری است در دست متفکران باذوق تا با آن حق خود و مردم را از مهتر و کهتر بستانند، البته طنز وقتی دست اهلش باشد سازنده است.

اسماعیل امینی، دارای دکترای ادبیات فارسی از چهرگان طنز امروزی است. ایشان دارای طبع‌شعر است و از نوجوانی شعر به دو زبان فارسی و ترکی می‌سرود. او سابقه درخشانی دارد. در جشنواره بین‌المللی طنز موفق به دریافت رتبه نخست بخش پژوهش گردید. بخشی از فعالیت‌های ادبی وی در حیطه نقد ادبی و پژوهش است؛ از این رو در جشنواره فجر صاحب عنوان برتر در بخش فعالیت‌های ادبی گردید. دکتر اسماعیل امینی از پرکارترین طنزپردازان کشور محسوب می‌شود و تالیفات زیادی از خود به یادگار گذاشته ازجمله: لبخند غیرمجاز، تبسم دوست، گزیده شعر طنز، جلسه شعر، اسب‌ها و خرها، نشر اکاذیب، دلقک و شاعر دربار. او در حوزه ترانه و تصنیف نیز آثار فراوانی ساخته که درخور تقدیر و ستایش است.

کتاب «لب خط قرمز» تازه‌ترین دستمایه امینی است که توسط دفتر طنز حوزه هنری شرکت انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۹۶ در ۱۵۴ صفحه به چاپ رسیده است.

لب خط قرمز مجموعه طنزهای مطبوعاتی و داستان‌های کوتاه اسماعیل امینی است. گویا ایشان سال‌ها با مطبوعات همکاری داشته و عضو تحریریه نشریه گل‌آقا بوده است.

کتاب لب خط قرمز از روزگار حاضر و ناراستی‌های آن گلایه می‌کند ولی نمی‌توان آن را در طنز سیاه جای داد. به نظر می‌رسد دل‌مشغولی اسماعیل امینی دغدغه‌های اجتماعی است؛ از این‌رو موضوعات طنزش روزمره است. امینی در نشان دادن تفاوت میان آنچه هست با آنچه باید باشد موفق عمل کرده. قالبی که در کتاب لب خط قرمز به چشم می‌خورد گفت‌وگوهای انتزاعی است یعنی مناظره‌هایی بین چیزهایی که حرف نمی‌زنند. از شگردهایی که امینی برای ایجاد طنز در کتاب لب خط قرمز به کار برده مهمل‌گویی با استفاده از بدیهیات است و در جاهایی از ترفند نقیضه بهره گرفته است. طنزهای کتاب از ذهن خلاق دکتر امینی سرچشمه می‌گیرد. شیوایی و شیرینی نثر او در این نوشته‌های طنزآمیز قابل ستایش است و از امتیازات طنزش، استواری و سلامت زبان است.

می‌توان گفت که دکتر اسماعیل امینی همانند فیلسوفی به کژی‌ها و ناراستی‌های جامعه اندیشیده و سپس آنها را به طور منصفانه به زبان شیرین، کنایی، و نشاط‌آور مکتوب کرده؛ در این راستا، قلم رسا، دایره لغات زیاد و استفاده از فرهنگ عامیانه او را در این زمینه یاری داده است.

یکی از موضوعات طنز کتاب لب خط قرمز سیاست است که موضوع جذاب و همیشگی طنزهاست. به نظر می‌رسد دکتر امینی در این کتاب روی لبه خط قرمز رفته اما خود را رنگی نکرده که نشان از مهارت و تبحر او در زمینه طنزنویسی است.

مجموعه طنزهایی که در کتاب لب خط قرمز گردآوری شده به واقع نوعی افشاگری است نسبت به مسایلی چون: مفسدان اقتصادی، مذکرات سیاسی، پرداخت حقوق معلمان، وام مسکن، کسب مدارک دانشگاهی، تخلفات ستاد انتخاباتی، مشکلات اقتصادی، جشنواره شعر، آلودگی هوا و ...

دکتر اسماعیل امینی گنجینه‌ای بی‌پایان برای ادبیات به‌خصوص در زمینه طنز است. ایشان در زمینه طنز شیرین همانند عسل و تلخ مثل شوکران است. باید اعتراف کنم در این مجال اندک نتوانسته‌ام آنطور که باید حق مطلب را ادا کنم چون هدف در حد معرفی کتاب لب خط قرمز بوده است. برای حسن‌ختام به سلیقه خویش قسمتی از طنز «خرها مشاغل کاذب ندارند» را انتخاب کردم، امید که مورد قبول واقع شود و انبساط خاطری برای خوانندگان این سطور پدید آورد.

«خرها با آنکه داخل آدم حساب نمی‌شوند، اما خیلی از انحرافات و کج‌رفتاری‌های آدمیان را ندارند. مثلا خرها هیچ وقت بیکار نیستند و از آن مهم‌تر مشاغل کاذب ندارند؛ نه در کنار خیابان بساط سیگارفروشی دارند، نه لیدر باشگاه‌های فوتبال می‌شوند، نه دلالی بلدند که بروند از قراردادهای چرب و شیرین پورسانت بگیرند و نه آن‌قدر عقل و شعورشان می‌رسد که مشاور چند تا بنگاه اقتصادی گردن کلفت باشند و با پیمانکاران و مشتریان آن بنگاه دل بدهند و قلوه بستانند... اصلا راستش را بخواهید خرها هیچ‌وقت به هیچ چیز اعتراض ندارند که هیچ حتی از هیچ چیزی انتقاد هم نمی‌کنند؛ سربه زیرند و پا به راه و صبور و سرسنگین. عبور از خط قرمز؟ هرگز. تشویش اذهان؟ بعیدالامکان. نشر اکاذیب؟ حاشا و کلا! با این همه هیچ کس قدرشان را نمی‌داند و هیچ‌وقت از زحمات آنها قدردانی نمی‌شود. من خودم بارها دیده‌ام که از عوامل تولید برنامه‌ها و سریال‌های موفق و حتی ناموفق و درپیتی تقدیر می‌شود. از بازیگر و نابازیگر، از نویسنده و کارگردان و تهیه‌کننده و خواننده تیتراژ، از دلال‌ها و کارچاق‌کن‌ها و رباینده‌گان لقمه‌های چرب و پروژه‌های نون و آب‌دار تقدیر می‌شود. اما هرگز از هیچ خری تقدیر نمی‌شود؛ با آنکه خرها در اغلب فیلم‌ها به ویژه فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی نقش‌های کلیدی را بازی می‌کنند. خرها حتی اگر از بیکاری دچار افسردگی بشوند و از گرسنگی شکمشان به قار و قور بیفتد عقلشان آن‌قدر قد نمی‌دهد که از راه خرید و فروش مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی کسب و کار راه بیندازند. حالا شما وسط دعوا نرخ تعیین نکنید و نفرمایید که خر کجا و فعالیت علمی و پژوهشی کجا؟...»

شعر

مهر از پاییز...

مهر از پاییز آغاز می‌شود!
و آدمی بی‌برگ از اندیشه بهار
دستان تو اما
تعبیر واژگان سپید
در میان خاموش تفته‌ها
شکوفه شکوفه
اردیبهشت را ثمر خواهد داد!
واژه سبز
آدمی سبز
و جهان سبز خواهد ماند!

فاطمه (آیسان) نظرمحمدی

آگهی مزایده اموال غیرمنقول نوبت اول

به استناد پرونده کلاسه ۹۶۱۴۲۱ احکام حقوقی محکوم‌علیه ۱. شیراحمد گسترش محکوم است به پرداخت مبلغ ۱/۳۱۹/۱۴۸/۹۳۶ ریال مهریه به نرخ روز و مبلغ ۸۸۵/۰۰۰ ریال در حق خانم مژگان مشتاقی و مبلغ ۶۵/۹۵۷/۴۴۷ ریال در حق‌الاجراء دولتی محکوم‌له جهت استیفای حقوق خود بدواً تقاضای توقیف و مزایده پلاک ثبتی ۲۲۷۰۹/۴۸۲۷ اصلی را نموده و پس از تشریفات قانونی و ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل مورد ارزیابی قرار گرفته ۱. شدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۴ مترمربع به پلاک ثبتی ۲۲۷۰۹/۴۸۲۷ اصلی در خیابان منشعبه از خیابان امام خمینی غربی. خ فروغ حدفاصل فروغ ۷ و ۹ ملک دارای دیوارهای آجری و سقف طاق ضربی و تیرآهنی کف موزاییک فرش ملک دارای اشتراک برق و فاقد اشتراک آب می‌باشد و به عنوان مغازه لوازم‌التحریر استفاده می‌گردد. و قیمت ملک ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد. ۲- ششدانگ یک‌باب منزل مسکونی به پلاک ثبتی ۲۲۴۱۴/۵۱۸۱ اصلی به نام شیراحمد گسترش به آدرس خیابان پاستور ۱۲ میلان ۱۲ دستغیب ۳۰ مساحت عرصه و ملک ۲۴۰ مترمربع و مساحت اعیان آن ۱۶۵ متر اسکلت بنا با دیوارهای آجری و سقف طاق ضربی و تیرآهنی دارای سه خواب، هال و پذیرایی و سرویس بهداشتی سابقه ساخت بنای اولیه بیش از ۲۵ سال که حدود ۱۰ سال قبل تغییراتی در آن ایجاد شده است دارای اشتراک آب و برق می‌باشد و قیمت و ارزش ملک ۳/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین گردیده است: سپس تقاضای فروش آن ازطریق مزایده عمومی نموده است که این اجرا پس از طی قانونی و عدم پرداخت محکوم‌به توسط محکوم‌علیه قصد دارد در روز ۹۷/۴/۳۱ از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح با حضور نماینده محترم دادستان و همچنین محکوم‌له. در محل دفتر اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف مرکزی جنب تعزیرات خ مصطفی خمینی ازطریق مزایده عمومی اموال توقیفی محکوم‌علیه به قیمت پایه کارشناسی به فروش برساند طالبین وخریداران می‌توانند همه روزه تا یک هفته قبل از زمان مزایده از اموال مورد مزایده با هماهنگی این اجراء بازدید حضوراً شرکت نمایند. بدیهی است اموال مزایده به کسی فروخته خواهد شد که بالاترین مبلغ را پیشنهاد نمایند و خریدار می‌بایستی مبلغ ۱۰درصدی پیشنهادی مزایده را فی‌المجلس به حساب سپرده دادگستری واریز و تحویل اجرای احکام مدنی نماید و پس از تایید مزایده توسط دادگاه محترم صادرکننده حکم تقاضای انتقال مالکیت اموال نماید و درصورت عدم تائید مزایده توسط دادگاه مبلغ ده درصدی واریزی به خریدار مسترد خواهد شد و درصورتی که خریدار مابقی وجه مزایده را در زمان مقرر به حساب سپرده واریز ننماید و یا اعلام انصراف نماید مبلغ ۱۰ درصد پیشنهادی خریدار به نفع دولت ضبط خواهد شد و خریدار حق هیچگونه اعتراضی را نخواهد داشت. تشریفات مزایده با رعایت مواد ۱۱۳ به بعد قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱۲۹ اجراء خواهد شد به استناد ماده ۱۳۱ قانون اجرای احکام مدنی درصورت نبود خریدار طلبکار نیز می‌تواند درقبال طلب خود از اموال مورد مزایده قبول نماید.

حسینی - مدیر اجرای احکام مدنی
شوراهای حل اختلاف زاهدان
م الف ۸۵۷

نشانی: استان سیستان و بلوچستان - زاهدان خیابان مصطفی خمینی - جنب سازمان تعزیرات حکومتی - مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان و بلوچستان

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۷۰۹۹۷۶۱۱۱۰۰۰۱۹۱
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۱۰۰۰۲۲۱
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۳۳

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۱۰۰۰۲۲۱ شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز تصمیم نهایی شماره
خواهان: آقای بابک مستوفی‌زاده فرزند ناصر با وکالت آقای اسداله زارع فرزند ناصر به نشانی استان خوزستان- شهرستان اهواز- اهواز- خ امام‌خمینی بین ادهم و گندمی مجتمع نور طبقه ۲ واحد۹
خوانده: آقای سیاوش ساعی‌فر فرزند غلامعلی به نشانی استان خوزستان- شهرستان اهواز- اهواز- کیانپارس خیابان ۱۴ غربی نبش خیابان خرداد پلاک ۴۸ کد ملی ۰۰۵۱۶۶۰۴۹۰
خواسته: مطالبه وجه چک

رای دادگاه

در مورد دعوی آقای بابک مستوفی با وکالت اسداله زارع به طرفیت آقای سیاوش ساعی‌فر به خواسته مطالبه مبلغ یک میلیارد و پانصد و شصت میلیون ریال بابت یک فقره چک به شماره ۰۷۹۱۶۳-۹۳۶۵ به انضمام خسارات قانونی که پس از ورود به دفتر محاکم عمومی به این شعبه از دادگاه ارجاع و تحت کلاسه فوق ثبت گردید دادگاه با توجه به تصویر مصدق چک موضوع خواسته که بیانگر دین مدعی علیه می‌باشد و از آنجا که دلیلی مبنی بر برائت ذکه خویش ارائه ننموده لذا دعوی خواهان ثابت و محرز است و مستند به مواد ۳۱۰ و ۳۰۹ و ۳۰۷و ۳۱۴ قانون تجارت و مواد ۱۹۸و ۵۱۵ و ۵۲۲ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم به محکومیت خوانده به پرداخت ۱- مبلغ یک میلیارد و پانصد و شصت میلیون ریال به عنوان اصل خواسته ۲- مبلغ پنجاه و سه میلیون و هفتصد و شصت هزار ریال به عنوان هزینه دادرسی ۳- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست تا زمان وصول محکوم به مطابق شاخص تورم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر و اعلام می‌گردد. حکم صادره غیابی و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان می‌باشد.

مهدی خندانی
رئیس شعبه هفتم دادگاه حقوقی اهواز

نشانی: استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی)

آگهی افراز و تقسیم پلاک ۲۶۱۸ واقع در بخش ۲۱ یزد

نظر به اینکه آقای علی آقایی میبدی فرزند اسدالله مالک مشاعی ۴۰/۵ سهم از ۷۲ سهم ششدانگ پلاک فوق می‌باشد و قصد افراز سهم خود را دارد و اعلام می‌دارد آقای رشید زندیان یکی از مالکین مشاعی مجهول‌المکان می‌باشد و ضمنا یکی دیگر از مالکین مشاعی، آقای اردشیر زندیان، فوت نموده و ابلاغ به ورثه وی غیرممکن است لذا طبق قانون افراز و فروش املاک مشاعی عملیات افراز و تقسیم سهم علی‌آقایی نامبرده فوق از پلاک فوق در روز مورخ ۹۷/۵/۸ ساعت ۸ صبح در محل وقوع ملک انجام خواهد شد بنابراین از خواندگان نامبرده فوق دعوت می‌شود تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند بدیهی است عدم حضور ایشان مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.

رئیس ثبت اسناد مبید - هادی بیکی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به این‌که در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای ۱۳۹۷-۷۴۴ مورخ ۹۷/۳/۱۳ تصرفات آقای مصطفی مجاهد نصر شماره شناسنامه ۷۸۹۹ صادره از اهواز فرزند عوده دارای کد ملی شماره ۱۷۵۷۳۲۱۱۸۷ نسبت به یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۷ متر مربع در قسمتی از ششدانگ پلاک ثبتی ۲۶۲۰/۵۳ واقع در بخش ۲ اهواز اخبار خروجی بنام آقایان دولتی منجر به صدور رای گردیده برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هرکس نسبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشان اعتراض داشته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تسلیم و رسید دریافت نمایند و معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست به مقامات قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبت برابر مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۴/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۴/۲۶
۵/۷۸۳ م / الف **نصرت‌اله**
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز

محکوم‌له: سهراب ترابی
محکوم‌علیه: عزت‌اله فیض پور فرزند اسداله

پیرو آگهی‌های منتشره در جراید بدینوسیله به عزت‌اله فیض‌پور فرزند اسداله که مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌شود طبق اجرائیه صادره از شعبه سیزدهم دادگاه حقوقی کرج در پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۲۶۱۱۳۰۰۶۰۹ به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۲۶۱۱۳۰۰۳۷۸ مورخ ۹۴/۴/۳۱ و ۹۷۰۹۹۷۲۶۱۱۳۰۰۰۷۷ مورخ ۹۷/۱/۳۰ صادره از شعبه سیزدهم دادگاه حقوقی کرج محکوم علیه محکوم پرداخت مبلغ ۴۲/۶۳۳/۰۵۳ تومان از بابت اصل خواسته به اضافه هزینه دادرسی (مبلغ ۱۰۶/۰۰۰ ریال) و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۹۱/۱۰/۱۱ لغایت زمان تأدیه بر مبنای نرخ اعلامی تورم درحق محکوم له و پرداخت نیم عشر حق اجرا و نیز هزینه‌های اجرائی بر عهده محکوم‌علیه می‌باشد. بدیهی است با توجه به غیابی بودن حکم، اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تامین متناسب از محکوم‌له، یا ابلاغ واقعی اجرائیه به محکوم‌علیه می‌باشد لذا مفاد اجرائیه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ آ.د.م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیرالانتشار درج می‌گردد تا ظرف ده روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام گردد. در غیر این صورت واحد اجرای احکام طبق مقررات نسبت به اجرای مدلول اجرائیه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.

م‌الف- ۹۷/۱۰۷۷۲/ف **مدیردفتر دادگاه حقوقی**
شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی کرج- محبوب ولی‌پور
کرج- میدان نبوت- بلوار ملاصدرا- روبروی پارک نبوت- پلاک ۱۲۴- ۱۲۰

شناسنامه مالکیت کامیون کشنده داف مدل ۲۰۱۳ بشماره انتظامی ۵۷۶ ع ۷۷ - ایران ۲۵، شماره موتور A ۱۴۹۷۹۷ و شماره شاسی XLRT۴۷MSOE۹۹۱۶۱۱ به نام شرکت حمل و نقل مهدی‌ران مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۴۱-۴۶۶ج۵۴ و شماره موتور ۱۱۸P۰۱۰۴۸۵۳ و شماره شاسی ۶۹۵۶۳۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز سایپا ۱۳۱ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۴۱-۳۱۸ ج ۳۷ و شماره موتور ۵۴۲۸۸۸۹ و شماره شاسی ۳۳۷۹۵۴۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی حصر وراثت

آقای عبدالحسن شهرت سبحانی نام پدر حیدر بشناسنامه ۹۹۹۱ صادره از دشت آزادگان درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که مرحوم عفت سبحانی شهرت سبحانی بشناسنامه ۶۵۳ صادره از شهرری در تاریخ ۹۴/۷/۱۱ در اهواز اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی عبدالحسن سبحانی ش.ش ۹۹۹۱ صادره از دشت آزادگان پسر متوفی ۲- زینت سبحانی ش.ش ۸۳ صادره دشت آزادگان دختر متوفی ۳- نرگس سبحانی ش.ش ۲۸۶۹ صادره از اهواز دختر متوفی ۴- صدیقه سبحانی ش.ش ۱۲۲۴ صادره از اهواز دختر متوفی ولاغیر به شرح پرونده کلاسه ۱۲۷/۳۸/۹۷/ح مطروحه در شعبه ۳۱ شورای حل اختلاف مجتمع یک اهواز.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره یک اهواز

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۹۷/۳۶۲ مورخ ۹۷/۳/۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسدآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی میرزائی فرزند علی سلطان به شماره شناسنامه ۲۷۳۷ صادره از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۴۹/۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۴۵۸ اصلی واقع در اسدآباد بلوار کشاورز خریداری با واسطه از مالک رسمی آقای اکبرآزاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۴/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۴/۲۶
م‌الف ۲۲۵ **کامران متقی- رئیس ثبت اسناد و املاک اسدآباد**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای ۵۱۱-۱۳۹۷ مورخ ۹۷/۲/۳۱ تصرفات آقای علی بکعانی شماره شناسنامه ۱۸۶۸۷ صادره از اهواز فرزند جاسم دارای کد ملی شماره ۱۷۵۰۹۵۱۰۵۳ نسبت به یکباب ساختمان به مساحت ۱۸۷ مترمربع در قسمتی از شش دانگ پلاک ثبتی ۲۶۲۰ باقیمانده واقع در بخش ۲ اهواز اخبار خروجی بنام حاجی‌خان دولتی(محمدحسین دولتی احدی از ورثه) منجر به صدور رای گردیده برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هر کس نسبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشان اعتراض داشته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تسلیم و رسید دریافت نمایند و معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست به مقامات قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبت برابر مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۷/۴/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۳۹۷/۴/۲۶
۵/۸۲۰م/الف **نصرت‌اله- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی ا